

## جشن‌های ایرانیان

بیشینه‌ی جشن‌های ایرانیان - چه آن‌هایی که اینک مرسوم‌اند و چه آن‌هایی که فراموش شده‌اند - ریشه در آیین زرتشت دارند؛ هر چند که برخی نیز با آیین‌های بین‌النهرینی درآمیخته‌اند (مانند جشن نوروز).

آیین زرتشت دینی است عمیقاً گیتی‌گرا که شادخواری و شادکامی را امری ستوده و اهورایی می‌داند و از هر آن چه تن آدمی را به رنج و زیان وا می‌دارد - چون روزه و ریاضت - پرهیز دارد؛ چرا که در باورداشت‌های این آیین، شادی و سرور از آن اورمزد است و رنج و اندوه از آن اهریمن. برخلاف غالب ادیان جهان (یهودی، مسیحی، اسلام، بودایی، مانوی) که رستگاری و سعادت آدمی را در جهان یا بُعدی دیگر (بهشت یا نیروانا) می‌جویند و حواله می‌کنند و زمین و حیات مادی را محل گذار و گناه و فنا می‌دانند و به روی گردانی و اعراض از مواهب گیتی و مادی توصیه می‌کنند و فرمان می‌دهند، دین زرتشت رستگاری و سعادت انسان را در همین زمین مأنوس مژده می‌دهد و از این رو، به آبادانی و زیبایی و به‌سازی آن سفارش می‌کند و برخوردارگی از مواهب گیتی (ثروت، لذت، شادی) را عین حق و صواب می‌داند.

در ایران پیش از اسلام، علاوه بر جشن‌های سالانه‌ای مانند نوروز و گاهنبار، در هر ماه نیز به نام یکی از ایزدان زرتشتی، جشنی برگزار می‌شد و در واقع می‌توان گفت که ایرانیان همواره و به هر مناسبتی، به جشن و پایکوبی مشغول بودند. (۱)

گفته می‌شود که شاهنشاهان ایران در زمان جشن‌های بزرگی چون نوروز و مهرگان، بار عام می‌داده‌اند و به دادخواهی‌های مردم رسیدگی می‌کردند. مردم نیز عموم جشن‌ها را با شادخواری و خوش‌گذرانی و نغمه‌خوانی برگزار می‌کردند و به آشتی‌جویی و یاری‌تهی‌دستان می‌شتافتند. بر این اساس، می‌توان باور داشت که ایران در زمان رواج دین زرتشتی، سرزمینی سرشار شاد و پرنشاط بوده است.

«ابوریحان بیرونی» دانش‌مند نام‌دار ایرانی (۳۶۲-۴۴۰ ق) در کتاب پارسی خود «التفهیم لاوائل صناعت التنجیم» گزارشی بسیار رسا و شیوا و حاوی نکاتی بی‌نظیر و ارزش‌مند از جشن‌های ایرانیان عرضه داشته است. وی می‌نویسد (۲):

نوروز چیست؟

- نخستین روز است از فروردین ماه و از این جهت، روز نو نام کرده‌اند؛ زیرا که پیشانی سال نو است و آن چه از پس اوست از این پنج روز [= پنج روز اول فروردین] همه جشن‌هاست. و ششم فروردین ماه را «نوروز بزرگ» دارند؛ زیرا که خسروان بدان پنج

روز حق‌های حشم و گروهان و بزرگان بگزاردندی و حاجت‌ها روا کردنی، آن گاه بدین روز ششم خلوت کردندی خاصگان را. و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آن است که اول روزی است از زمانه و بدو، فلک آغازید گشتن.

تیرگان چیست؟

- سیزدهم روز است از تیرماه. و نام‌اش تیر است هم نام ماه خویش، و همچنین است به هر ماهی آن روز که همان‌ام‌اش باشد، او را جشن دارند. و بدین تیرگان گفتند که «آرش» تیر انداخت از بهر صلح منوچهر که با افراسیاب ترکی کرده است بر تیر پرتابی از مملکت...

مهرگان چیست؟

- شانزدهم روز است از مهرماه و نام‌اش مهر. و اندر این روز «افریدون» ظفر یافت بر «بیوراسپ» جادو، آن که معروف است به ضحاک. و به کوه دماوند بازداشت و روزها که سپس [= پس از] مهرگان است، همه جشن‌اند بر کردار (= مانند) آن چه از پس نوروز بود. و ششم آن مهرگان بزرگ بود و «رام» روز نام است و بدین دانندش.

پروردگان چیست؟

- پنج روز پسین اندر آبان ماه [است] و سبب نام کردن آن چنان است که گبرکان [= زرتشتیان] اندرین پنج روز خورش و شراب نهداند روان‌های مردگان را. و همی گویند که جان مرده بیاید و از آن غذا گیرد. و چون از پس آبان ماه پنج روز افزونی بوده است، آنک [= اینک] «اندرگاه» خوانند. گروهی از ایشان پنداشتند که این روز «پروردگان» است و خلاف به میان آمد و اندر کیش ایشان مهم چیزی بود. پس هر دو پنج [روز] را به کار بردند از جهت احتیاط را. و بیست و ششم روز آبان ماه، فروردگان [= پروردگان] کردند و آخرشان، آخر دزدیده. و جمله فروردگان ده روز گشت. (۳)

برنشستن کوسه [= سوار شدن مرد بدون موی صورت] چیست؟

- آذر ماه به روزگار خسروان، اول بهار بوده است (۴). و نخستین روز از وی - از بهر فال - مردی بیامدی کوسه، برنشسته بر خری و به دست کلاغی گرفته و به بادبیزن خویشتن باد همی‌زدی و زمستان را وداع همی‌کردی و از مردمان بدان چیزی یافتی. و به زمانه‌ی ما به شیراز همی‌کرده‌اند و ضریبت [= خراج] پذیرفته از عامل، تا هر چه ستاند از بامداد تا نیمروز به ضریبت دهد و تا نماز دیگر [= نماز عصر] از بهر خویشتن را بستاند (۵) و اگر از پس نماز دیگر بیابندش، سیلی خورد از هر کسی.

بهمنجه چیست؟

- بهمن روز است از بهمن ماه [= دومین روز ماه]. و بدین روز، بهمن [= برف] سپید به شیر خالص پاک خورند و گویند که حفظ [= حافظه] فزاید مردم را و فراموشی [= فراموشی] ببرد. و اما به خراسان مهمانی کنند بر دیگی که اندر او از هر دانه‌ی خوردنی کنند [= بریزند] و گوشت هر حیوانی و مرغی که حلال‌اند و آن چه اندر آن وقت بدان بقعت [= ناحیه] یافته شود از تره و نبات. سده چیست؟

- آبان روز است از بهمن ماه و آن دهم روز بود. و اندر شب‌اش که میان روز دهم است و میان روز یازدهم، آتش زنند به گوز [= درخت گردو] و بادام و گرد بر گرد آن شراب خورند و لهُو و شادی کنند. و نیز گروهی از آن بگذرند بسوزانیدن جانوران. اما [وجه تسمیه‌ی سده] چنان است که از او [= روز سده] تا نوروز، پنجاه روز است و پنجاه شب. و نیز گفتند که اندرین روز از فرزندان پدر نخستین [= گیومرث]، صد تن تمام شدند (۶).

گهنبار چیست؟

- روزگار سال، پاره‌ها کرده است زرادشت و گفته است که به هر پاره‌ای [از سال]، ایزد تعالی گونه‌ای [از مخلوقات] را آفریده است؛ چون آسمان و زمین و آب و گیاه و جانور و مردم، تا عالم به سالی تمام آفریده شد. و به اول هر یکی از این پاره‌ها، پنج روز است، نام‌شان «گهنبار» (Gahanbar) «.